

رابطه ادراک خدا و دل‌بستگی به خداوند در دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان ملایر

نسترن رضایی^۱
کیومرث عزیز ملایری^۲
محمد عسگری^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه ادراک خدا و دل‌بستگی به خدا در دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان ملایر در سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ بود. بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان گروه نمونه‌ای به حجم ۳۴۶ نفر از جامعه مورد مطالعه، به شیوه تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل آزمون‌های ادراک خدای لاورنس (۱۹۹۷) و دل‌بستگی به خدای بک و مک دونالد (۲۰۰۴) بود. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون و آزمون معنی‌داری آن تحلیل شد. یافته‌ها ضمن تأیید وجود رابطه مثبت بین متغیرهای ادراک خدا و دل‌بستگی به خدا، رابطه مثبت و معناداری بین خرده‌مقیاس‌های ادراک خدا، یعنی حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر و مشیت با متغیر دل‌بستگی به خدا نشان داد. به این معنی که هرچه ادراک از خدا در افراد مثبت‌تر می‌شود، دل‌بستگی به خدا نیز بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادراک خدا، پذیرش، حضور، خیرخواهی، دل‌بستگی به خدا.

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (Rezaee_nastaran@yahoo.com) نویسنده مسئول.

۲. استادیار برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

۳. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

The Relationship between God Image and Attachment to God among High School Freshwomen Students in Malayer City

Nastaran Rezaee¹

Kiumars Azizmalayeri, PhD²

Mohammad Asgari, PhD³

Abstract

The main goal of this study was to determine the relationship between God image and attachment to God among high school freshwomen students in 2015-2016 academic year in Malayer city. Based on the sampling table of Krejcie and Morgan, and through multi-stage random sampling, a sample group was selected, including 346 high school freshwomen students. God Image Inventory (Lawrence, 1997) and Attachment to God Inventory (Beck and McDonald, 2004) were implemented as research tools. The research hypotheses were analyzed using Pearson correlation coefficient and its significance test. While confirming the existence of a positive relationship between God image and attachment to God, the findings also showed a significant positive correlation between the subscales of God image – i.e. presence, challenge, acceptance, benevolence, influence, as well as providence – and attachment to God. It means that the more positive is individuals' God image, the more is their attachment to God.

Keywords: God image, acceptance, presence, benevolence, attachment to God.

مقدمه

نگاهی به سیر تاریخی زندگی انسان همواره نشان می‌دهد، دین عنصری تعیین‌کننده در زندگی انسان بوده است. رفتارها و عقاید مذهبی تأثیر مثبتی در معنادار شدن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، عبادت و زیارت می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، سبب آرامش درونی فرد شوند (یانگ و مائو^۴، ۲۰۰۷). مفهوم دین و کارکرد آن متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن جایگاه خدا در دین است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰). از آنجا که محور مسائل در دین، شناخت انسان و خداوند و ایجاد

1. Masters in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences. Faculty of Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. (Corresponding Author) (Rezaee_nastaran@yahoo.com)
2. Assistant Professor of Curriculum Planning, Department of Educational Sciences. Faculty of Humanities, Malayer University, Malayer, Iran.
3. Associate Professor of Educational Psychology, Department of Psychology. Faculty of Psychology and Education, Allameh Tatabataba'i University, Tehran, Iran.
4. Yang & Mao

ارتباط با موجودی متعالی است، زمینه‌ای گسترده برای تأمل در زوایای ماهیت انسان و نحوه ارتباطش با خداوند به وجود می‌آید. در همه ادیان، همواره از رابطه انسان با خدا و لزوم تنظیم و هدایت آن بحث شده و به عنوان عالی‌ترین نوع پرستش یاد شده است (کابوریک^۱، ۱۹۹۸). دلبستگی انسان به خدا موضوعی اولیه است، به گونه‌ای که این دلبستگی از تداوم الگوهای ایجادشده در ارتباط با دلبستگی کودک به والد و تسری آن به دیگر انواع رابطه پدید آمده است (اسلاتر^۲، ۲۰۰۵).

این موضوع که خدا چیست و چگونه بر ما تأثیر می‌گذارد، ادراک ما از خداوند را شکل می‌دهد. تصور ما درباره خدا سبب می‌شود که ما به شکل خاصی عمل و عقاید مشخصی داشته باشیم و خصوصیات معینی را نشان دهیم (منصور و دادستان، ۱۳۸۳). ادراک خدا^۳ امر مهمی در تحول و شکل‌گیری باورهای دینی افراد تلقی می‌شود و یکی از محوری‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد مؤمن را تشکیل می‌دهد. با اینکه ادراک خدا به آگاهی نیاز دارد؛ اما به طور ضمنی از طریق تجربیات دینی و مذهبی افراد شکل می‌گیرد و به صورت احساس معنوی از خدا درمی‌آید. به نظر شجاعی (۱۳۸۶) شناخت خدا همراه با داشتن ادراک درست از او شرط اساسی و یکی از پایه‌های مهم شکل‌گیری رابطه با خداوند است. یکی دیگر از متغیرهایی که جایگاه ویژه‌ای در روان‌شناسی دین به خود اختصاص داده، دلبستگی به خداوند^۴ است. نظریه دلبستگی، اولین بار از سوی بالبی به منظور توصیف و توضیح اینکه چگونه کودک به طور هیجانی و عاطفی با مراقبش پیوند می‌یابد مطرح شد (بالبی^۵، ۱۹۷۳).

دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی، با گذشت زمان و در چارچوب نظام‌های دیگر همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد. از نظریه دلبستگی می‌توان برای مطالعه رفتارهای دینی و شناخت کیفیت اعتقادات دینی نیز استفاده کرد. مؤمنان ارتباط متقابل شخصی با خدای محبوب، دانا و نیرومند برقرار می‌کنند و این ارتباطات یک ارتباط دلبستگی است (کیرک پاتریک^۶، ۱۹۹۹). افراد ایمن از نظر دلبستگی، ادراک مثبت و خوش‌بینانه‌ای (مانند خیرخواه بودن) از خدا دارند. راه شناخت خدا به کودک از

1. Kuburick
2. Slater
3. perception of God
4. attachment to God
5. Bowlby
6. Kirkpatrick

درون خانواده شکل می‌گیرد. کودکان با محدودیت‌هایی در زمینه شناخت خدا روبه‌رو هستند. آنان به تناسب سن و میزان تحول شناخت خود، از ادراک خدا برداشت‌های متعددی دارند. آشنایی با این محدودیت‌های شناختی و نحوه درک کودکان و نوجوانان از مفاهیم مجردی مثل خدا، به کاهش نگرانی‌ها در بُعد تربیتی و شروعی برای روش‌های آموزش دینی منجر می‌شود.

دلبستگی‌ها نیز در چرخه حیات شامل روابط والد - فرزند، روابط عاشقانه و رابطه با خدا است. در واقع، در چارچوب دلبستگی کودکان، دلبستگی به والدین و ادراک از خدا از طریق شکل‌های والدینی، در نوجوانی توسعه پیدا می‌کند (کیرک پاتریک، ۱۹۹۹). در دوره نوجوانی، ادراک دوران کودکی از والدین، پیش‌بینی‌کننده ادراک از خود و ادراک از خداست. نوع ارتباط و دلبستگی کودک به والدین به تدریج متنوع می‌شود و به چهره‌های مشخص گسترش می‌یابد و در تمام زندگی پابرجا می‌ماند؛ اما با ورود به مرحله نوجوانی و افزایش پختگی شناختی، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد نسبت به چهره‌های مشاهده‌نشده (مثل خدا) دلبستگی پیدا کند. دوره بلوغ یا اوایل نوجوانی، زمان رشد جسمانی، عاطفی و عقلانی سریع است، در حالی که اواسط نوجوانی با سازگاری و ثبات بیشتری همراه است و تغییرات رشدی به سمت یکپارچگی شخصیت حرکت می‌کند. بی‌توجهی به نیازهای نوجوان می‌تواند این دوره را برای بسیاری از افراد به دوره‌ای پرمخاطره تبدیل کند. آغاز نوجوانی با تفکر درباره واقعیت شروع می‌شود. نوجوان می‌کوشد افکار را به سوی احتمالات گسترش دهد. متمایزترین ویژگی تفکر صوری در این دوره، معکوس بودن جهت تفکر بین واقعیت و احتمال است. این ویژگی، نقطه عطفی در رشد ساختار هوش ایجاد می‌کند؛ زیرا به توازن ثابت و پایدار در تفکر نوجوان می‌انجامد (منصور و دادستان، ۱۳۸۳).

اولین نکته مشخص در تأثیر دلبستگی بر مذهب، مشاهده و بررسی ارتباط فرد با خدا است. کیرک پاتریک معتقد است پناه‌گاه و پایه ایمنی که در شکل‌گیری دلبستگی نقش دارند، پایه و اساس شکل‌گیری تصور از خدا نیز هستند. تصویر ذهنی می‌تواند به عنوان متغیر میانجی بین کیفیت دلبستگی و سلامت روان عمل کند. به این ترتیب که کیفیت دلبستگی کودک به پدر و مادر و بزرگسالان نسبت به یکدیگر، با تصویر ذهنی از خداوند در ارتباط بوده و در تصویر ذهنی افراد از خداوند مؤثر است (دی رز^۱ و همکاران، ۲۰۰۱).

رشیدی و شریف موسوی (۱۳۹۴) رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا با پذیرش و پایگاه امن و بخشایشگری و هم‌دلی در دانش‌آموزان دختر را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سبک ایمن دلبستگی به خدا با تمام مؤلفه‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد. لنت^۱ (۲۰۰۴) بر این باور است که پذیرش از سمت خداوند و باور بر پذیرفته شدن از جانب او به داشتن دلبستگی ایمن و افزایش ویژگی‌های روان‌شناختی و عواطف مثبت مانند امید و خوشبینی به‌ویژه در موقعیت‌های دشوار زندگی منجر می‌شود؛ چون احساس می‌کند تکیه‌گاه ایمن و قدرتمندی دارد که از او حمایت می‌کند.

نتایج پژوهش خاکشور و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که بعد کنترل از طریق کاهش ایجاد هویت مذهبی آشفته سبب افزایش حضور معنا در زندگی می‌شود. به‌طوری که کنترل‌پذیری (تأثیرپذیری، مشیت الهی) سبب می‌شود که فرد احساس کند که تنها نیست و علاوه بر خود، خداوند نیز در تعیین سرنوشت وی دخیل است و دچار سردرگمی نمی‌شود. در نتیجه، تعهد و اکتشاف مذهبی افزایش می‌یابد. بنابراین، بعد کنترل از طریق کاهش ایجاد هویت مذهبی آشفته (افزایش تعهد و اکتشاف مذهبی) سبب افزایش احساس وجود معنا می‌شود.

قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط ادراک خدا با خودپنداره و خودکارآمدی با توجه به متغیرهای فردی در میان دانشجویان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین احساس خودکارآمدی و خرده‌مقیاس‌های حضور، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر و کل نمره ادراک خدا ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج بین خودپنداره و خرده‌مقیاس‌های حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر، مشیت و کل نمره ادراک خدا ارتباط معنی‌داری نشان داد.

نیوتن و مک اینتوش^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی که روی وادین کودکان استثنایی درباره ارتباط بین تصور والدین از خدا و میزان مقابله‌های آنان در مقابل استرس‌ها انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که والدین کودکان استثنایی، با تصور مثبت از خدا، دارای مقابله‌های روان‌شناختی مؤثرتری هستند و در برابر فشارهای روانی، مقاوم‌ترند. این افراد موقعیت‌ها را به صورت مثبت‌تری ارزیابی و باور داشتند که خداوند آن‌ها را در سختی‌ها تنها نخواهد گذاشت. رز^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی که روی دانش‌آموزان انجام داد، به این نتیجه رسید که

1. Lent

2. Newton & McIntosh

3. Ross

بین کیفیت دل‌بستگی و نوع ادراک از خدا، هم‌بستگی معناداری وجود دارد؛ به این صورت که افراد با دل‌بستگی ایمن، تصور مثبت‌تری از خدا داشتند. به‌علاوه بین تصور فرد از خدا (پذیرش خدا) با کیفیت دل‌بستگی به خدا و کیفیت دل‌بستگی در روابط صمیمی افراد هم‌بستگی معناداری وجود دارد.

پژوهش جناآبادی و سابقی (۱۳۹۳) پس از بررسی رابطه دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی نشان داد که سطح دل‌بستگی به خداوند و معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی بالاتر از میانگین بود و بین دل‌بستگی به خدا و تمامی ابعاد آن با معناداری زندگی این گروه از والدین رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. همچنین، از بین ابعاد دل‌بستگی به خدا، ابعاد جوارجویی، پایگاه امن، پناه‌گاه امن، ادراک مثبت از خود و اضطراب جدایی قابلیت تبیین و پیش‌بینی معناداری زندگی این گروه از والدین را داشتند.

با وجود اینکه ادراک خدا و دل‌بستگی به او، یک بُعد مهم دین‌داری و مؤلفه‌های مهمی در سلامت روان افراد به‌شمار می‌روند، حجم اندک سرمایه‌گذاری‌ها در عرصه‌های علمی و پژوهش‌های آکادمیک را شامل می‌شوند؛ از این بین، تربیت دینی به‌عنوان بُعد مهمی از ابعاد تربیت، با اینکه می‌تواند متضمن دستیابی به وضعیت مطلوب در زمینه‌های مختلف باشد، مورد کم‌توجهی بسیار قرار گرفته است. با وجود تلاش‌های بسیاری که در طول سال‌ها، به‌ویژه از سوی نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، در زمینه تربیت دینی صورت گرفته است، همچنان شاهد رویکردهای متفاوتی نسبت به کیفیت دینی هستیم. این تفاوت رویکردها در مدارس که عهده‌دار اصلی آموزش و پرورش نسل جدید هستند، بیشتر به چشم خورده و تبدیل به موضوعی مورد بحث برای داعیان تعلیم و تربیت نیز شده است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است تا ادراک نوجوانان دختر را در این زمینه ارزیابی و تجزیه و تحلیل شد؛ زیرا اطلاعات موجود درباره ادراک از خداوند و میزان دل‌بستگی آن‌ها به خداوند می‌تواند ما را در درک بهتر فضای شناختی آن‌ها یاری دهد. با آشنایی از این فضا، تحمل ما در برخورد با نگرش‌های آنان بیشتر می‌شود. بنابراین، از یک سو با توجه به اهمیت نقش ادراک از والدین و ادراک از خود در شکل‌گیری ادراک از خدا و تأثیرات این ادراک‌ها در تمام زوایای زندگی و از سوی دیگر با توجه به اینکه تحقیقات متعددی گزارش کرده‌اند که ادراک از خدا و دل‌بستگی به او در سنین مختلف می‌تواند ناشی از زمینه‌های متفاوتی باشد و نیز فقدان این‌گونه پژوهش‌ها در مدارس ایران و

بین نوجوانان، پژوهش حاضر درصدد است تا به درک دانش آموزان دوره اول متوسطه از خداوند، همچنین میزان دلبستگی به او و ارتباط بین این دو مؤلفه بپردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع هم‌بستگی بود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۳۳۳۷ نفر دانش آموز دختر دوره اول متوسطه شهرستان ملایر در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بود که از بین آن‌ها تعداد ۳۴۶ نفر بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان انتخاب شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی چندمرحله‌ای انجام شد. بدین ترتیب که ابتدا با توجه به موقعیت جغرافیایی، مدارس به چهار منطقه تقسیم و از هر منطقه یک مدرسه انتخاب شد. سپس از هر مدرسه در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند. به این ترتیب که حجم نمونه پژوهش بر تعداد کلاس‌ها تقسیم شد و از هر مدرسه به صورت تصادفی حدود ۸۷ نفر (در هر سه پایه) به عنوان نمونه، مطالعه شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

درصد	تعداد		
۱۰۰	۳۴۶	زن	جنسیت
۲۲	۷۶	۱۴	
۴۰/۲	۱۳۹	۱۵	سن
۳۷/۸	۱۳۱	۱۶	

ابزار گردآوری اطلاعات

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از دو آزمون ادراک خدا و دلبستگی به خدا استفاده شد. برای سنجش ادراک خدا از آزمون ادراک خدای لاورنس^۱ (۱۹۹۷) استفاده شد. این مقیاس با اقتباس از مقیاس ۷۲ ماده‌ای لاورنس از سوی مظاهری و همکاران (۱۳۸۴) با توجه به فرهنگ جامعه اسلامی ساخته شد. مقیاس دارای ۳۳ ماده آزمون است. مؤلفه‌های اصلی در رابطه با موضوع ادراک خدا شامل مواردی همچون ۱) حضور^۲: آیا خداوند در اینجا حضور

1. Lawrence
2. presence

دارد؟ (۲) چالش^۱: آیا خدا می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟ (۳) پذیرش^۲: آیا من شایسته دوست داشته شدن از جانب خداوند هستم؟ (۴) خیرخواهی^۳: آیا خداوند همانند کسانی است که مرا دوستم می‌دارند و آنچه برای من بهتر است را برایم می‌خواهند؟ (۵) تأثیر^۴: من تا چه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تأثیر بگذارم؟ (۶) مشیت^۵: خداوند تا چه حد توان تأثیر گذاردن بر مرا دارد؟، است. پایایی آزمون ادراک خدا نیز از سوی سازندگان ۰/۹۱ گزارش شده است و تمامی زیرمقیاس‌ها دارای پایایی قابل قبولی هستند. روایی این مقیاس نیز با استفاده از روش روایی محتوایی محاسبه شد. آزمون دل‌بستگی به خدای بک و مک دونلد^۶ (۲۰۰۴) نیز با هدف بررسی ابعاد دل‌بستگی به خدا تدوین شده است و شامل ۱۶ ماده آزمون است. ابعاد این آزمون شامل جوارجویی، پناه‌گاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی (نگرانی از جدایی)، ادراک مثبت از خود و ادراک مثبت از خداست (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۹۰). طیف پاسخ‌گویی این آزمون از نوع لیکرت است. روایی آزمون دل‌بستگی به خدا نیز با استفاده از تحلیل عاملی و رواسازی بیرونی با توجه به مقیاس، آزمایش شد. پایایی مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد (۰/۸۵).

یافته‌ها

الف) توصیف داده‌ها

جدول شماره ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را گزارش کرده است.

جدول ۲ میانگین و انحراف از معیار دل‌بستگی به خدا و ادراک خدا و خرده‌مقیاس‌های دو متغیر

تعداد	کک‌مینه	بیشینه	خطای معیار	میانگین	انحراف معیار
۳۴۶	۱۵۲	۲۹۱	۱/۰۸۵۰۳	۲۰۴/۸۱۷۹	۲۰/۱۸۲۷۵
۳۴۶	۲۶	۵۱	۰/۲۳۱۷۷	۳۷/۲۴۵۷	۴/۳۱۱۱۳
۳۴۶	۱۹	۳۹	۰/۱۹۰۵۵	۲۸/۹۳۰۶	۳/۵۴۴۴۷
۳۴۶	۲۲	۷۱	۰/۲۵۸۶۰	۳۴/۶۰۱۲	۴/۸۱۰۳۰
۳۴۶	۲۳	۴۸	۰/۲۳۶۱۶	۳۳/۸۸۴۴	۴/۳۹۲۸۱
۳۴۶	۲۲	۷۹	۰/۲۴۶۷۶	۳۱/۲۶۰۱	۴/۵۹۰۰۳
۳۴۶	۲۳	۴۶	۰/۲۱۹۸۰	۳۴/۱۷۰۵	۴/۰۸۸۴۹

1. challenge
2. acceptance
3. benevolence
4. influence
5. providence
6. Beck & McDonald

ادامه جدول ۲

تعداد	ککمیینه	بیشینه	خطای معیار میانگین	انحراف معیار
۳۴۶	۱۶	۱۰۲	۰/۵۶۰۰۶	۵۹/۶۰۴۰
۳۴۶	۲	۱۰	۰/۱۲۳۰۳	۷/۸۳۸۲
۳۴۶	۳	۱۵	۰/۱۷۹۰۰	۱۲/۳۰۰۶
۳۴۶	۳	۱۵	۰/۱۸۰۵۷	۱۲/۱۸۵۰
۳۴۶	۳	۶۲	۰/۱۹۶۷۰	۱۰/۰۲۶۰
۳۴۶	۳	۱۵	۰/۱۳۶۶۰	۹/۲۱۹۷
۳۴۶	۲	۱۰	۰/۱۱۱۳۳	۸/۰۳۴۷

مشیت
دل‌بستگی به خدا
(کل)
جوراجویی
پناه‌گاه امن
پایگاه امن
اعتراض به
جدایی
ادراک از خود
ادراک از خدا

براساس مشاهدات موجود در جدول شماره ۲، میانگین و انحراف معیار و کمینه و بیشینه متغیرهای دلبستگی به خدا و ادراک خدا به ترتیب عبارت‌اند از: ۱۰/۴۱، ۱۶، ۱۰۲ و ۲۰۴/۸۱، ۲۰/۱۸، ۲۹۱، ۱۵۲.

(ب) استنباط از داده‌ها

ضریب هم‌بستگی پیرسون و معنی‌داری آن نشان داد که بین ادراک خدا و دلبستگی به خدا رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت $r=0/431$ و $p<0/001$ که بیانگر رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر ادراک خدا و دلبستگی به خداست. جدول شماره ۳ ضریب هم‌بستگی بین خرده‌مقیاس‌های ادراک خدا و دلبستگی به خدا را گزارش می‌کند.

جدول ۳ هم‌بستگی بین خرده‌مقیاس‌های متغیر ادراک خدا و دلبستگی به خدا

	ادراک (مشیت)	ادراک (تأثیر)	ادراک (خیرخواهی)	ادراک (پذیرش)	ادراک (چالش)	ادراک (حضور)	ادراک (کلی)
ضریب هم‌بستگی	۰/۳۶۳**	۰/۳۲۷**	۰/۳۶۳**	۰/۲۳۲**	۰/۳۳۹**	۰/۳۶۲**	۱
سطح (کلی)	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	
معداری تعداد	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	

** P ≤ 0/01

همان‌گونه که در جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد علاوه بر اینکه دو متغیر اصلی پژوهش در حالت کلی رابطه مثبت و معناداری با یکدیگر دارند، خرده‌مقیاس‌های ادراک خدا نیز رابطه مثبتی با دل‌بستگی به خدا دارند. بنابراین، نتایج به‌دست آمده همه فرضیه‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، فرضیه‌های پژوهش همگی تأیید شدند؛ زیرا رابطه مثبت و معناداری بین مؤلفه‌های ادراک خدا و دل‌بستگی به خدا برقرار بود. همان‌گونه که مشاهده شد اولین فرضیه پژوهش تأیید شد؛ یعنی بین حضور و دل‌بستگی رابطه مثبت و مستقیم برقرار بود؛ یعنی به همان اندازه که فرد حضور خداوند را در همه‌جا حس می‌کند، به همان اندازه دل‌بستگی به خدا در او افزایش می‌یابد. این یافته پژوهش با نتایج به‌دست آمده از مطالعه ابراهیمی (۱۳۹۱) و قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) همسوست. همچنین، نتایج نشان داد که فرضیه دوم مطالعه حاضر نیز تأیید شد، به این صورت که هر اندازه تردید افراد از حضور خداوند و ناظر بودن او بر اعمال آن‌ها کمتر شود، به همان اندازه میزان دل‌بستگی به خداوند افزایش می‌یابد. این نتیجه همسو و تأییدکننده مطالعه خاکساری (۱۳۸۵) است. همچنین، یافته‌ها بیانگر و تأییدکننده فرضیه سوم مطالعه حاضر بودند، به این صورت که بین پذیرش از مؤلفه‌های ادراک خدا با دل‌بستگی نسبت به خدا رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هر اندازه فرد پذیرفته شدن از سمت خداوند را باور داشته باشد، به همان اندازه دل‌بستگی به او نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های لنت (۲۰۰۴) و رز (۲۰۰۶) نیز همسو با نتایج این فرضیه هستند. نتایج آزمون، چهارمین فرضیه پژوهش را نیز تأیید کرد. بنابراین، هر اندازه که باور به خیرخواهی خداوند نسبت به بندگانش افزایش یابد، به همان اندازه میزان دل‌بستگی به او نیز افزایش خواهد یافت؛ یعنی هر اندازه افراد به درک این موضوع برسند که خداوند بیش از هر کسی خیر و صلاح آن‌ها را می‌خواهد، به همان اندازه به او دل‌بسته‌تر خواهند شد. نتایج پژوهش جنا‌آبادی و سابقی (۱۳۹۳) نیز همسو با این نتیجه است. پنجمین فرضیه پژوهش به موضوع ارتباط بین تأثیر با دل‌بستگی نسبت به خدا در دانش‌آموزان پرداخت. نتایج نشان داد که به هر اندازه که افراد به تأثیر و اراده خداوند در امور زندگی خود یقین داشته باشند، به همان اندازه نیز دل‌بستگی بیشتری به خداوند پیدا می‌کنند. نتایج پژوهش خاکشور و همکاران (۱۳۹۲) نیز تأییدکننده این بخش از یافته

مطالعه حاضر هستند. یافته‌های به دست آمده حاکی از تأیید فرضیه ششم پژوهش هستند؛ یعنی هر اندازه که اعتقاد افراد به مشیت، خواست و اراده خداوند در طول افعال زندگی خود بیشتر باشد، به همان اندازه میزان دل بستگی و روابط عاطفی با خداوند بیشتر می‌شود. آزمودن‌ها در این مطالعه معتقد بودند که کارهای آن‌ها با مشیت و خواست خداوند به سرانجام می‌رسد. نتایج این فرضیه نیز با نتایج پژوهش‌های ابراهیمی (۱۳۹۱)، قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۱) و یانگ و مائو (۲۰۰۷) همسو است.

ارتباط با خداوند، زندگی انسان را از پوچی نجات می‌دهد و اضطراب وجودی او را از بین می‌برد (ابراهیمی، ۱۳۹۱). نتایج این پژوهش نشان داد که خرده‌آزمون‌های ادراک خدا، یعنی حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر و مشیت و دل بستگی به خدا ارتباط معنی داری دارند. این یافته نشان دهنده تأثیر متقابل و انکارناپذیر ادراک خدا و دل بستگی به خدا در افراد است؛ یعنی به همان نسبت که ادراک خدا در افراد مثبت‌تر می‌شود به همان میزان دل بستگی به خدای متعال نیز بیشتر می‌شود.

بر این اساس، می‌توان پیشنهاد داد که ادراک خدا زیربنای دل بستگی افراد به خداوند است. همچنین، می‌توان بیان کرد که این یافته در تأیید تأثیر سازنده ادراک خدا بر شکوفایی و فعلیت توانایی‌های فرد است؛ یعنی به همان میزان که افراد حضور خداوند در زندگی، پذیرش و دوست داشته شدن از سوی خداوند و اعتماد به خیرخواهی و تأثیر خداوند بر زندگی خود را درک می‌کنند، علاوه بر افزایش دل بستگی به خداوند؛ به همان اندازه نیز احساس توانایی در موقعیت‌های مختلف در آن‌ها افزایش می‌یابد. در این راستا، می‌توان بیان کرد که افراد با دل بستگی بالا به خدا، به دلیل برخوردار بودن از منابع حمایتی، توانایی بیشتری برای مقابله با مشکلات دارند؛ یعنی در بین افراد، خداوند به عنوان منبع دل بستگی زمینه‌ای فراهم می‌کند که شخص احساس ایمنی بیشتری بکند و از این طریق، توان مقابله بالاتری با مشکلات روان‌شناختی و جسمانی داشته باشد. علاوه بر این، فرد دل بسته به خدا، زندگی هدفمند و معناداری دارد و بر این عقیده است که زندگی معنا و مفهومی دارد.

یافته‌های این پژوهش حاکی از این موضوع است که دل بستگی به خدا دارای عمق و اصالتی بیشتر به نسبت انواع دل بستگی‌هاست و می‌تواند تکیه گاهی باشد که می‌توان از آن با عنوان توکل یاد کرد. هرچه سطح آگاهی‌مان متعالی می‌شود، دل بستگی‌مان محکم‌تر می‌شود و این دو ارتباطی دو سویه دارند. چه بسا دل بستگی‌های اصیل به خدا سبب ژرف‌اندیشی و رشد آگاهی‌مان می‌شود.

محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش محدود شدن جامعه آماری به نوجوانان دوره متوسطه دختر و عدم تعمیم آن به کل جامعه و استفاده از پرسش‌نامه‌های خود گزارشی از جمله سایر محدودیت‌های این پژوهش به‌شمار می‌روند. به‌علاوه، پژوهش از نوع هم‌بستگی است و از وجود رابطه بین ادراک خدا و دل‌بستگی به خدا نمی‌شود رابطه علی معلولی استنباط کرد. این رابطه فقط هم‌متغیری را نشان می‌دهد.

پیشنهادات

انجام پژوهش‌هایی از این نوع روی، جوامع پژوهشی مختلف (از لحاظ سن، فرهنگ و...) و به‌کار بردن روش‌های دقیق‌سنجش بالینی به‌ویژه مصاحبه ساختاریافته در کنار مقیاس‌های معتبر و انجام پژوهش‌های آتی روی قشرهای مختلف جامعه به‌صورت طولی، از جمله پیشنهاداتی است که می‌توان به پژوهشگران ارائه کرد؛ برگزاری دوره‌های آموزشی مذهبی برای والدین برای برقراری رابطه صحیح با فرزندان و درونی کردن ارزش‌های مذهبی آن‌ها از سوی مربیان پژوهشی و تربیتی در مدارس. با توجه به یافته‌های حاضر، والدین باید برای انتقال ارزش‌ها و درونی کردن آموزش‌های مذهبی خود در فرزندانشان، رابطه ایمنی با آن‌ها برقرار کنند. و شکل‌گیری پایگاه‌های مذهبی، ارائه بسته‌های آموزشی و درمانی درخصوص افزایش معنویت و باورهای مذهبی در نوجوانان، از جمله پیشنهادات کاربردی است که بر اساس یافته‌ها می‌توان ارائه کرد.

منابع

- ابراهیمی، م. (۱۳۹۱). *رابطه سبک‌های دل‌بستگی و روابط موضوعی با تصور از خدا بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
- جناآبادی، ح.، و سابق، ف. (۱۳۹۳). *رابطه دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی شهر زاهدان*. طلوع بهداشت، دانشکده بهداشت یزد، ۲، ۹۹-۱۱۲.
- خاکساری، ز. (۱۳۸۵). *نظرات منفی و مثبت در مورد خدا و ارتباط آن با عزت نفس و سلامت روان دانش‌آموزان در میان دانش‌آموزان دبیرستانی در میناب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- خاکشور، ف.، غباری‌ناب، ب.، و شهابی‌زاده، ف. (۱۳۹۲). *نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی*. روان‌شناسی و دین، ۲، ۴۳-۵۶.

رشیدی، م.، و شریف موسوی، ف. (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا با بخشایشگری و همدلی دانش‌آموزان دختر شهرستان قم. *اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران*. تهران.

شجاعی، م. ص. (۱۳۸۶). توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود. قم: انتشارات قم.
غباری بناب، ب. (۱۳۹۰). مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روان‌شناسی. *مجله حوزه دانشگاه*، ۲۹، ۷۳-۹۶.
قنبری هاشم‌آبادی، ب.، سید محمدحسن، ا.، و قنبری هاشم‌آبادی، م. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط ادراک از خدا با خودپنداره و خودکارآمدی با توجه به متغیرهای فردی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد.
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲، ۱۶۵-۱۸۰.

مشایخی راد، ش. (۱۳۸۰). اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع). *حوزه و دانشگاه*، ۲۷، ۴۹-۶۸.
مظاهری، م.، صادقی، م. س.، شهابی‌زاده، ف.، و یآوری، ف. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و دلبستگی به خدا با تصور از خدا. *پژوهشکده خانواده*، چاپ نشده.
منصور، م.، و دادستان، پ. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ژنتیک ۲: از روان تحلیلیگری تا رفتارشناسی*. ج ۵. تهران: رشد.

- Beck, R. & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God inventory. Tests of working model correspondence. And an explorations of Faith group differences. *Journal of Psychology and theology*, 2, 92-103.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and Loss: Attachment*. New York: Basic Books.
- De Ross, S.A., Miedema, S., & Ledema, J. (2001). Attachment, working models of self and others, and God concept in kindergarten. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40(4), 607-618.
- Kirkpatrick, L. A. (1999). An attachment theoretical approach to love and religious belief. *personality and social psychology bulletin*, 18, 269.
- Kuburick, z. (1998). Image of God in religious experience, *the scientific journal FACT understates services: philosophy and sociology*, 1, 471-482.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-236.
- Lent, R.W. (2004). Toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychosocial adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 51, 482-509.
- Newton, A. T. & McIntosh, D. N. (2010). Specific religious beliefs in a cognitive appraisal model of stress and coping. *International Journal for the Psychology of Religion*, 20(1), 39-58.
- Ross, D. (2006). Young children God concepts; Influence attachment and religious socialization in family and school context. *Religious Education*, 101(1), 84-103.
- Slater, T. (2005). The Development of Children's Concept of God. *The University of Chicago Press*. 1-16.
- Yang, K.p. & Mao, X.Y. (2007). A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire. *International journal of nursing studies*, 20(3), 65-78.